

אברהם קלדה

פרשת פקודי

מהת מפת קדוסיית אין نشریه از دور انداختن آن خودداری فرمایید.

اول آدار دوم ۵۷۶۸

گفتاری روشننگر

کامل خواهد بود اما اگر از وظیفه خود غفلت کرده و به آبادی ظاهری بنای سنگ، چوب، طلا و نقره خود را دلداری و خاطر جمعی داده، ممکن است آن غفلت و نادانی باعث خرابی بنای روحانی میشکان یعنی دوری نور **שכינה** شود.

دانشمندان فرموده‌اند که پاراشا به این صورت شروع شده است: "**פקודי המשכן** **משכן**" که در آن اشاره به آن است که معبد اول و دوم پس از زمان معینی که حساب آن مساوی با کلمات **המשכן** و **משכן** می‌شود، از بین خواهد رفت. این آیه پیش از ساختن میشکان آمده است تا توضیح دهد که هر چند بنای مادی میشکان انجام شده و یا **בית המקדש** آباد باشد، اگر توجه کافی برای حفاظت درجات روحانی نشود همین امر باعث خرابی آن می‌گردد و این امر هم در ترکیب و ساختن بنای روحانی هر خانواده و ملتی صدق می‌کند. دانشمندان نزدیکی ملت یهود به پروردگار و آشکار شدن جلال حق بر کوه سینا را چون جشن عروسی و پیوند پروردگار با ملت یهود می‌دانند. ذات ساختن میشکان نتیجه‌ای از غفلت ملت یهود در یکی از مقدس‌ترین لحظات زندگی تاریخی خود بود، یعنی در زمانی که **משה רבנו** برای آوردن تورا به بالای کوه سینا صعود کرده بود بجای اینکه از الهیت و تقدس آن حالت مخصوص از ظهور نور جلال پروردگار و شنیدن پیام جانبخش وی در هیبت بوده و هر لحظه را تا آمدن **משה רבנו** غنیمت داشته و مشغول به تقدس و آمادگی برای قبول و تعلیم تورا نمایند گمراه شده و دست در دست نفس اماره داده و در دیار گناه پایکوبی کرده مشغول خوردن و نوشیدن، مستی شدند و از خود غافل گردیدند. **משה רבנו** پس از بازگشت از کوه سینا و توبیخ مردم، سعی وافر در رضای پروردگار و بخشش گناهان قوم نموده و خد-اوند نیز بنای میشکان را با لطف و بزرگواری خود

"**אלה פקודי המשכן**.... صورت‌حسابهای میشکان که به امر مشه بوسیله لویها زیر نظر **איתמר** پسر اهرون کوهن مورد رسیدگی قرار گرفت از این قرار است." (شموت فصل ۳۸ آیه ۲۱)

در پاراشای هفته توضیح دقیق از کمیت مواردی که مردم برای ساختن میشکان هدیه کرده بودند و سایر لوازم میشکان بوسیله آنان ساخته شده از جمله طلا، نقره، سنگهای قیمتی و... نه تنها نام آورده شده است بلکه وزن آنها و استفاده هر کدام در ساختن اشیاء مخصوص اعلام و آشکار شده است و از طرفی نام یکایک استادان که در رشته‌های مخصوص خبره بودند، نیز ذکر شده است؛ سپس از چگونگی برپا کردن میشکان از زبان **משה רבנו** سخن رفته است. هیچ کس قادر به بنا و استوار کردن میشکان نبود چون ستونهای آن عظیم و سنگین بودند، یعنی ساختن اشیاء و اجسام ممکن است بوسیله هر شخصی امکان داشت اما برپا کردن و استقامت آن نیروی خارق‌العاده می‌خواهد و آن نیرو و قدرت، قوای روحانی می‌باشد. همچنانکه دانشمندان یهود فرموده‌اند: **בללא** فرزند **אורי** فرزند **חור** با استادی کامل همه وسایل بخصوص صندوق عهد (**ארון הברית**) را با تعیین جزییاتش آنچنان که پروردگار به **משה רבנו** توضیح داده بود، انجام داد. اما او جوانی بیش نبود ولی در روحانیت بسیار تمرکز داشت و قوی بود. میشکان وجود آن به جامعه یهود تشابه شده است، همچنان که گفته شده است: "**ועשו לי מקדש ושכנתי בתוכם** - ..." در این آیه آمده است **בתוכם** و نه **בתוכו** یعنی ساختن و بنای میشکان و نزول جلال نور الهی بر طبق کیفیت شایستگی روحانی مردم می‌باشد که اگر آنها در حفاظت و تعلیم فرامین تورا سعی کرده و کامل باشند استقرار نور الهی هم در آن معبد مقدس دائمی و

1 اگر در کیفیت و کمیت مطالب این نشریه رأی، پیشنهاد و یا سوالی در امور هلافا و زندگی (روزمراه دارید از اتمام لطف خود به

در ادامه پاراشا ، در مورد آماده کردن البسه مخصوص کهن گادول صحبت شده است. همچنان که ساختن میشکان و وسایلش باعث بخشش گناه مردم می بود ، لباسی که کهن گادول می پوشید و با آنها خدمت حق می نمود هر کدام باعث بخشش نوعی از گناه روحانی مردم می شد. یعنی بنای قربانگاه و آوردن قربانی برای عفو گناهان از اعمال مردمی بود و آماده کردن البسه کهن و خدمت کردنش با آنها در **בית המקדש** باعث بخشش گناهانی می شد که از اوامر فطری و روحانی همچون تکبر ، خشم و غیبت گویی ناشی می گردید. دانشمندان فرموده اند : ردا (מליל) برای عفو گناه غیبت می بود که در اطراف آن زنگوله و کلافی (רמון) بافته شده بود که همانند اناری سربسته می بود که اشاره است به آن کس که همواره همانند زنگ صدای خود را به گوش دیگران می رسانید ، همچون اناری پرده و سربسته لبهای خود را به هم بدوزد گاهی همانند زنگوله (פלאון) برای وصف پروردگار و تعلیم تورا صدای خود را بلند کرده و آواز تورا را به دیگران می شنواند و در صورت لزوم از بیان ناشایست و گناه آمیز همچون غیبت خودداری کند. باشد که با نگهداری همه فرامین تورا بخصوص دوری از **שנאת חנם** که نشانه بارز آن همان غیبت و سخن چینی و دوبهم زنی می باشد و تعلیم و انجام سایر فرامین تورا باعث تجدید بنای خانه امید ملت یهود و ظهور منجی عالم بشریت حضرت **משיח** در آینده ای بسیار نزدیک باشیم **אמן**

عنایت فرمود. اما بس عجیب که پس از سالها که هنوز نتایج گناه گوساله طلایی پاک نشده همچنان افرادی هستند که در مقدس ترین لحظات بنای خانواده یهودی که شب خویا می باشد، با حماقتی ناشی از نادانی و کم اطلاعی از قانون تورا با رقصهای مختلط و پر کردن امیال و هوس حیوانی خود با خوردن و نوشیدن پایمال می کنند و ظاهرا مشغول انجام فرمان بزرگ شادمان کردن عروس و داماد می باشند، اما در واقع هر قدمی که بر زمین می کوبند و هر صدایی و کلمات ناپاکی که بر زبان و لب می آورند همچنان تبری است که در دست گرفته و این نو خانه زیبای عروس و داماد را با غفلت و نادانی ویران می کنند. پس شایسته است هر فرد یهودی مومن که می خواهد نسل و اولادانش همچون اجداد و سروران مقدس ملت یهود ، خانواده ای پاک و مقدس با لذت روحانی تشکیل دهد از مواردی و اماکنی که در کثروت غذا و حالت روحانی دقتی نمی کنند ، دوری کند و افرادی پاک و درست را که در شاد کردن عروس و داماد استاد هستند اما از بیان کلمات و اشعار ناپاک خودداری می کنند ، برای شادی و خرسندی مجلس خویش دعوت نمایند ، غذایی کاشر به میهمانان عزیز خود داده و آنها را مزکی به برکات لازمه در طی صرف غذا و شکرانه پس از غذا بنمایند. قطعا آن مجلس جشن، بزم عزیز و مهمی خواهد بود که پروردگار هم از تشکیل آن خانواده لذت برده و سهم خود را در بخشش هدیه شایسته که باعث موفقیت دائمی و کامل آن کانون محبت روحانی تورا می گردد اعطا مینماید و قطعا آنها را با دادن فرزندان پاک و برومند و موفق ، شادمان می کند.

مطالبی از پاراشا

* " **אלה פקודי המשכן משכן העדת אשר פקד על פי משה עבודת הלויים** - صورتحسابهای میشکان که به امر **משה** بوسیله لویها زیر نظر **איתמר** پسر **אהרן** مورد رسیدگی قرار گرفت از این قرار است. " (شموت فصل ۳۸ آیه ۲۱) در کتاب " **ציצים ופרחים** " آمده است: تورا می فرماید: " **אשר פקד על פי משה...** " قصد تورا از گفتن این مطالب این است که به ما یاد بدهد هر شخص نباید از انجام امور جماعتی بعلت اینکه کار مورد احترامی نمی باشد ، خودداری کند به عنوان مثال بگوید: من مسئول جمع آوری صدقه برای مستمندان نمی گردم زیرا این کار احترام مرا پائین می آورد. **משה** **רבנו** و **אלעזר** و **איתמר** فرزندان **אהרן** از کسانی بودند که برای ساختن میشکان شروع به جمع آوری هدیه کردند.

* " **כל הזהב העשוי למלאכה בכל מלאכת הקדש** - تمام طلای بکار رفته برای آن کار یعنی برای همه کار مکان مقدس همان طلای هدیه شده بود. " (شموت فصل ۳۸ آیه ۲۴) در کتاب " **ציצים ופרחים** " آمده است: تمامی کارگران و استادکارانی در کار میشکان مشغول بودند تمامی هدفشان برای جلب رضایت پروردگار بود و بدین خاطر در آیه اشاره می کند: " **העשוי למלאכה** "

لحظه‌ای تفکر

اما ۲۶۶۵۷۸۲۲۶ مفتخر به لقب فرد یهودی بود همراه با تمامی بزرگان دوره تصمیم گرفتند که در جشن شرکت نکنند و به قوم هم دستور عدم شرکت در جشن را دادند تا همگی در روزهای عزاداری ملی خرابی בית המקדש بسر ببریم. می‌توان بنزد پادشاه رفته و وفاداری خود را به او ثابت کرده و از او عذرخواهی کرده که نمی‌توانیم به‌همراه او سومین سال پادشاهیش را جشن بگیریم اما ما با خواندن تفیلا و درخواست از جانب حق برای سلامتی و آرزوی موفقیتش او را همراهی خواهیم کرد اما به هیچ عنوان در جشن شرکت نمی‌کنیم.

اما همگی می‌دانیم که نظر ۲۶۶۵۷۸۲۲۶ و علمای دینی همواره مورد قبول تعداد اندکی از جامعه قرار می‌گیرد مردم آن زمان هم این عقیده را نپذیرفته و در جشن و سرور خشایار شاه شرکت کردند. مرور زمان اثبات کرد که نظر ۲۶۶۵۷۸۲۲۶ درست می‌باشد. خشایار شاه حکم نمود که تمام وسائل בית המקדש را خارج کرده و تمام حاضران را توسط آن وسائل از نوشیدنی سیراب نمایند. در این جشن ثابت گردید که او می‌خواهد اعلام کند: هیچ امیدی برای قوم یهود برای نجات و بازگشت به سرزمین مقدس وجود ندارد!!!

سوالی که در اینجا مطرح می‌گردد: آیا با حضور در مراسم جشن و سرور و لذت بردن از غذای پادشاهی باید چنین حکمی بر قوم یهود وارد گردد: "از بین بردن، کشتن و پاک کردن نشانه یهودیان از کوچک و بزرگ و کودکان و زنان"؟

جواب این است: جزای شرکت در مراسم جشن و سرور پادشاهی آنچنان سنگین نمی‌باشد اما دلیل آن، خطای بدون آرمزش یعنی ترس بی‌دلیل و آغشته شدن با فرهنگ غیریهودی است که سرآغاز هر بدی می‌باشد.

علت اینکه حکم از بین بردن تمامی یهودیان صادر گردید چه بود؟ بخاطر اینکه اندوخته قومی خود را از دست دادند.

چه کسی آنان را نجات داد؟ ۲۶۶۵۷۸۲۲۶ که به لقب فرد یهودی مفتخر گردیده بود. شخصیت یهودی که تحت هر فشاری

یهودی باقی می‌ماند. **لحظه‌ای تفکر!!!**

دانشمندان یهود هم عقیده هستند که حکم قتل عام یهودیان توسط هامن به سالها قبل از آن زمانی که یهودیان در مراسم جشن و سرور خشایار شاه در سومین سال حکومتش برگزار کرد، از جانب خد-اوند مورد تأیید قرار گرفت. ۲۶۶۵۷۸۲۲۶ از تمامی قوم یهود خواهش نمود که در این جشن شرکت نمایند اما مردم به این امر توجهی نمودند.

واقعا دنبال کردن طرز تفکر هامن‌های هر دوره‌ای شگفت انگیز می‌باشد. آنان با تعمق در مسائل، لحظاتی که باعث از دست رفتن و یا ناراحتی جامعه می‌گردد را درک می‌کنند.

بیاید سالهای قبل از معجزه پوریم را با یکدیگر بیاد آوریم. قوم یهود در غربت آرامی وجود دارد. ۶۰ سال از خرابی בית המקדש و حمام خونی که بخت النصر پادشاه بابل در سرزمین مقدس برپا نموده بود، گذشت. بخت النصر پادشاه ترس و ترور که در سالهای پادشاهیش لبخندی بر لبان هیچ‌کس نقش نبسته بود. پس از سقوط بخت النصر، کورش شاه احسانگر بر تخت سلطنت جلوس می‌نماید و دستور بنای مجدد בית המקדש را می‌دهد اما بعلت سخن چینی افراد این ساخت و ساز منتفی می‌گردد.

خشایار شاه پادشاهی که پس از کورش به سلطنت رسید از لحاظ دیکتاتوری چیزی کمتر از بخت النصر نداشت. در یک لحظه از عصبانیتش، همسرش ملکه را بدست جلادان سپرد و با خونسردی تمام حکم قتل عام یهودیان را صادر نمود. این پادشاه سومین سال حکومتش را جشن می‌گیرد و تمامی مردم شهر ۱۷۱۷ را به جشن دعوت می‌کند. بیایید عکس العمل او را در هنگام شنیدن خبر عدم شرکت یهودیان در جشن سلطنتی در نظر بگیریم یهودیان بر ضد او هستند و در جشنش شرکت نمی‌کنند و در شادی او شاد نمی‌باشند!!!

خشایار شاه قادر به چه اعمالی در مقابل یهودیان بود. بنابراین مردم با توجه به اعمال و رفتار او تصمیم گرفتند که شرکت در جشن سلطنتی را واجب بدانند.

خوانندگان گرامی:

تهیه کنندگان این نشریه برای تأمین هزینه‌های ناشی از چاپ و توزیع این نشریه محتاج به מחצית השקל شما می‌باشند تا بعلت کمبود بودجه چاپ این نشریه با مشکل مواجه نگردد، مبالغ خود را به ת.ד. 50465 ירושלים (ارسال نمایید. جهت اطلاعات بیشتر با تلفن ۰۵۴-۶۵۷۸۲۲۶ تماس بگیرید.

منتظرین نجات

موقع ویرانی فرا رسید و رومی‌ها **בית המקדש** را ویران کردند و کارهای **בית המקדש** را باطل کردند، **סנהדרין** بیکار شدند، جلال شخینا به غربت رفت و چیزی جز دیوار **כותל המערבי** باقی نماند. اگر روزی این یهودی به جایگاه خود بازگردد، هنوز آن موارد روحانی و مقدس که در موقع ویرانی **בית המקדש** از او گرفته شدند، برایش کسر خواهد بود.

آن شخص که **בית המקדש** را در موقع آبادی و شکوه دیده بود، تا وقتی که نجات کامل، که تمام یهودیان انتظار آنرا می‌کشند فرا نرسد، تسلی یافتن، تنها با فراهم آوردن وسایل مادی بسیار برای وی سخت خواهد بود زیرا که هنوز **בית המקדש** آباد نشده است و شخینا در آن مستقر نگشته است.

בית המקדש مکان اتصال بین پروردگار و بندگان می‌باشد و همانگونه که در کتاب شмот، فصل ۴۰ آیه ۳۴ گفته شده است: "و میشکان مملو از جلال خد-اوند شد" **בית המקדש** مکان استقرار شخینا می‌باشد.

با پابرجایی **בית המקדש** شخینا به پائین آمد تا به طور دائم با ما باشد. مکان استقرار اصلی شخینا در **בית המקדש** می‌باشد. استقرار او در تمام عالم‌ها از **בית המקדש** پرتو می‌گیرد تا مکان قدوسیت در تمام عالم‌های بالاتر باشد.

بدلیل گناهانمان **בית המקדש** ویران گشت و آمدن به دروازه‌های **בית המקדש** و پرستش خد-اوند با طهارت و قدوسیت از ما سلب شد و فقط دیوار **כותل המערבי** برایمان باقی مانده است. آن دیواری که قولی قدیمی و دراز مدت معین می‌کند که شخینا همیشه در آنجا مستقر خواهد بود و هیچ وقت ویران نخواهد شد.

به همین خاطر چشمان تمام جماعت یهود به **כותل המערבי** دوخته شده است و در کنار سنگهای قدیمی‌اش درد دل‌هایشان را بازگو می‌کنند. در آن مکان مقدس که تمامی قوم را یکدسته می‌کند، اشکهای بیشمار ریخته می‌شود تا جایی که می‌توان گفت که قلب جامعه آنجا می‌باشد، قلبی که تمامی راه‌ها و مسیرها به آنجا ختم می‌شوند.

در دوره ما کنیسه‌هایی برایمان باقی مانده‌اند که مانند ذره‌ای از **בית המקדש** می‌باشند که در آنجا نیز شخینا مستقر می‌شود و ما برای پروردگار خود در آنجا دست به دعا بلند می‌کنیم که به زودی زود جلال خود را به **בית המקדש** برگرداند و همگی مزکی شاهد نجات کامل باشیم.

پاراشای **פקודי** پابرجا کردن میشکان را برای ما توضیح می‌دهد. **בית המקדש** که در کوه **מוריה** ساخته شد ادامه میشکان بود، امروز ما دارای این موارد نمی‌باشیم زیرا که خراب شده‌اند.

آیا ما می‌توانیم این کمبود را در درون قلب خود احساس کنیم؟ چگونه می‌توانیم اشتیاق و انتظار دیدار **בית המקדש** پابرجا را در قلب خود وارد کنیم؟

با یک مثال می‌توان جواب این سؤالات را داد.

دو فرد یهودی، در زمان خرابی **בית המקדש** در سرزمین مقدس زندگی می‌کردند. یکی از آنها در شهر گلیل زندگی می‌کرد و دارای مزرعه‌ای بود. رومی‌ها آمدند و تاکستان او را ویران کردند، دارائیش را سوزاندند و محصول مزرعه‌اش را نابود کردند. بعد از سالیان سال او دوباره مستقل گشت و به جایگاه خود بازگشت، خانه‌اش و طویلۀ چهارپایان را آباد کرده و از اول شروع به کاشتن نهال در باغ خود نمود. الان انبار او پر از محصول و خزینۀش پر از شراب می‌باشد. این یهودی چیزی را که در خرابی از دستش رفته بود را باز گرداند و در مورد او آفتاب نجات باردیگر تابیده است.

اما یهودی دوم در شهر **ירושלים** زندگی می‌کرد و با دیدن نور شخینا، به چشمان خود جلا بخشیده بود، کاهنین را در موقع کار کردن در **בית המקדש** دیده بود و شعر و زمر لایوان را شنیده بود و یهودیان را در جایگاه خود نظاره کرده بود. او نظاره‌گر کاهن بزرگ، در هنگامی که فریاد می‌زد "אנא ה'" در روز کیپور بوده و در شادی **בית השואבה** در حد امکان، قدوسیت را جذب کرده بود. او از بوی خوش **קטורת** معطر شده بود و دود آن را که به طور معجزه‌آسایی، یکپارچه و صاف به بالا می‌رفت را مشاهده کرده بود، شمع شمعدان طلایی را که در غرب **בית המקדש** وجود داشت و هیچ وقت خاموش نمی‌شد را دیده بود و **לחם פנים** را که تا موقع برداشتن از جای خود داغ می‌ماند را نظاره کرده بود. در روز کیپور با وجود اینکه در **בית המקדש** مملو از جمعیت بود و جایی برای تکان خوردن وجود نداشت، به راحتی خم شده و به پروردگار سجده کرده بود، قربانی **פסח** را خورده بود، از کسانی که میوه نوبر به **בית המקדש** آورده بودند، استقبال کرده بود و از جلال و شکوه **סנהדרין** که در **לשכת הגזית** به صورت نیم دایره نشسته بودند، شگفت زده شده بود.